

تحلیل مفهومی مراحل و ابعاد تربیت شهروندی

حسین محمدی^۱، محمد مزیدی^{۲*} و سعید بهشتی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۲۸ صص ۱۰۶-۸۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۲۵

چکیده

مفهوم شهروندی و نقش آموزش و پرورش در توسعه آن در دوران جهانی شدن توجه اندیشمندان بسیاری در کشورهای مختلف و همچنین مکاتب گوناگون را به خود جلب کرده است. با توجه به اهمیت این موضوع، در این پژوهش سعی شده است تا به تجزیه و تحلیل این مفهوم و مراحل و ابعاد آن از منظر اسلام بپردازیم. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که با رعایت اصول موضوعه‌ی پارادایم کیفی به انجام رسیده است. داده‌های مورد نیاز به روش اسنادی، و با رعایت قاعده‌ی حداکثر تنوع و اصل اشباع‌شدگی در انتخاب اسناد مرتبط با موضوع پژوهش، گردآوری شدند. داده‌های گردآوری‌شده، پس از اجرای قاعده‌ی سازواری داده‌های کیفی با استفاده از رویکرد توصیفی-تفسیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که تربیت شهروندی از منظر اسلام دارای مبانی و جهان‌بینی خاص خود می‌باشد و دارای ابعادی تعریف‌شده در حوزه‌های شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی و رفتاری-عملی می‌باشد. در نهایت، چارچوبی مفهومی برای تربیت شهروندی از منظر اسلام ارائه گردیده است که مبتنی بر جهان‌بینی و ابعاد فوق‌الذکر می‌باشد.

کلید واژه‌ها: تربیت شهروندی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، چارچوب مفهومی تربیت شهروندی.

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران. ایران

^۲ دانشیار بخش مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز. شیراز-ایران

^۳ استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت-دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران. ایران.

* نویسنده مسئول: mmazidi52@gmail.com

** این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری است.

مقدمه

یکی از مباحث مهم امروز جهان حقوق شهروندی و تربیت شهروندی است و مباحث مربوط به آن طی قرن اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است (Pour tahmasebi & Tajoor, 2011). سابقه پراختن به تربیت شهروندی در جوامع غربی به زمان حکمای بزرگ یونان چون سقراط، افلاطون و ارسطو باز می‌گردد، با این وجود به نظر می‌رسد که در پرتو تحولات و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی و ارتباطی، که نقش بسزایی در افزایش آگاهی‌های مردم داشته است، ضرورت پرداختن به این موضوع در جوامع کنونی، به ویژه در جوامع اسلامی نیز احساس می‌شود (Ghasempour khoshroudi & Heydari, 2016).

اگرچه در مقدمه‌ی اعلامیه «حقوق بشر و شهروند» آمده که تنها علت بدبختی‌های عمومی و فساد دولت‌ها، انکار یا فراموشی حقوق انسانی مردم است، معذالک، به نظر می‌رسد که نظام‌های بین‌المللی نتوانسته‌اند برای ترویج حقوق شهروندی و احقاق حق کشورها و ملت‌های ضعیف اقدامی اساسی انجام دهند. در مقایسه اهداف تعیین شده در اعلامیه‌ی حقوق بشر و پیام‌های ادیان الهی خواهیم دید که ادیان الهی، به خصوص دین اسلام، می‌توانند نقش بسیار مؤثرتری در ترویج حقوق بشر و شهروند داشته باشند. بنابراین، در سیر تاریخی مباحث شهروندی، حداقل، از لحاظ چارچوب مفهومی، باید بزرگ‌ترین سهم را به ادیان الهی از جمله دین اسلام داد (Mehrpor, 2007: 87-88).

در تربیت شهروندی از نگاه اسلام، ارزش‌های اسلامی، سمت و سوی الهی به تربیت شهروندی می‌بخشند. این ارزش‌ها از قبیل ایمان، تقوا، آخرت‌گرایی، احترام به هم نوع، عدالت، توکل بر خدا و ... در تمام شئون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی تأثیرگذارند (Kishani farahani et al, 2013). کاستی‌های ملاحظه شده در اصول، ابعاد و ارزش‌های تربیت شهروندی در جوامع غربی، از یکطرف، و کامل‌بودن اصول و ارزش‌های اسلامی در ارتباط با مفاهیم مرتبط با تربیت آدمی و جهت دادن انسان به سوی کمال یا همان قرب الهی، از طرف دیگر، طراحی و تدوین چارچوبی مفهومی در زمینه تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام ایجاب می‌نمود. الگویی که به نظر می‌رسد از نیازهای اساسی نظام تعلیم و تربیتی کنونی جامعه باشد.

فقدان الگو و یا چارچوبی مفهومی در زمینه تربیت شهروندی، موجب سردرگمی کودکان و نوجوانان در گزینش و پذیرش الگوهای متعدد (رفتارهای اجتماعی) گردیده است (Kishani farahani et al, 2013).

با نگاهی اجمالی به ساختار تعلیم و تربیت کشور می‌توان دریافت که، در جامعه ایران به طور اعم و در نظام تعلیم و تربیت به طور اخص، آن‌طور که باید و شاید مبحث تربیت شهروندی با رویکرد اسلامی، مورد توجه قرار نگرفته است. اما در شرایطی که ادعا می‌شود که تعالیم اسلامی مبنای فکری، مدیریتی و تربیتی در جامعه ایران است، زمان آن رسیده است که آموزه‌های اسلامی

نقش پررنگ‌تری در مبانی تربیت اجتماعی جامعه، به ویژه زیرساخته مهم آن، یعنی تربیت شهروندی داشته باشد. به عبارتی دیگر، شایسته است که متولیان امر تعلیم و تربیت، با بررسی مبانی تربیت شهروندی بر پایه آموزه‌های اسلامی به تربیت افراد متناسب با این نوع جامعه بپردازند (Heydari et al, 2013).

به بیان دیگر در صورت فراگیرشدن الگوهای غربی در نظام تعلیم و تربیت کشور که عمدتاً به مباحث مادی تربیت شهروندی توجه می‌کنند و همچنین غفلت از ارزش‌ها و اصول اسلامی در زمینه تربیت شهروندی، آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری گریبان‌گیر نظام تعلیم و تربیتی کشور خواهد شد. بنابراین با توجه به اهمیت و ضرورت به کارگیری ابعاد، ارزش‌ها و اصول اسلامی برای تربیت شهروندی در نظام تعلیم و تربیت کشور، پژوهش حاضر درصدد ارائه چارچوب مفهومی تربیت شهروندی و ابعاد آن از نگاه اسلام، به منظور به کارگیری آن در نظام تربیتی جامعه برآمده است.

تربیت شهروندی

توسعه مفهوم شهروندی و نقش آموزش در آن به طور فزاینده‌ای توسط محققان، معلمان، سیاستمداران در دهه گذشته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (Kennedy, 2012; Johnson & Morris, 2010 & Hansen, 2011) به بیان دیگر، کشورهای زیادی تربیت و آموزش شهروندی را به عنوان قسمت اجباری برنامه‌های درسی در نظر گرفته‌اند تا از این طریق شهروندان مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی بیشتری در زندگی خود داشته باشند (Euridyce, 2005). مبانی تعلیم و تربیت جهت‌گیری‌ها، کیفیت فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. تعلیم و تربیت دارای مبانی مختلفی است که مبانی اجتماعی و سیاسی یکی از مهمترین آنهاست و بر پایه آن می‌توان اصول و رهنمود لازم جهت هدایت فعالیت‌های جمعی و روح حاکم بر تعلیم و تربیت را اتخاذ نمود. موضوع تربیت شهروندی به عنوان بخشی از مبانی اجتماعی و سیاسی شامل طیفی از دیدگاه‌های فلسفی، ایدئولوژیکی و سیاسی و نیز رویکردهای تعلیم و تربیت است و به یکی از پربرترین عرصه‌های پژوهشی در نظام‌های تعلیم و تربیت تبدیل شده است (Gholtash, 2012). ادبیات و پیشینه مفهوم تربیت شهروندی با مفاهیمی همچون آموزش اخلاقی، آموزش شخصیت و آموزش تمدنی مترادف بوده و تا حدی بر مبنای آن‌ها پی‌ریزی شده است (Geboers et al, 2013). مطالعات متعددی ادعا می‌کنند که آموزش و تربیت شهروندی هنوز به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم چارچوب‌های رسمی نظام آموزشی باید در نظر گرفته شود (Hahn, 2015; Moon & Koo, 2011; Ramirez & Meyer, 2012; Yemini, 2014).

به بیان دیگر تربیت شهروندی قسمتی از برنامه درسی ملی همه کشورها می باشد که از طریق سه رویکرد عمده به عنوان یک موضوع مستقل، به عنوان بخشی از یک موضوع یا حوزه یادگیری و همچنین یکی از ابعاد برنامه درسی در مدارس انتقال داده می شود و عمدتاً ترکیب این رویکردها مورد استفاده قرار می گیرد (Education, Audiovisual and Culture Executive Agency, 2012).

از طرف دیگر تربیت شهروندی نگاه ویژه‌ای به یادگیری دانش، توانایی و نگرش‌هایی دارد که فرد را در تعامل موثر و مطلوب با افراد دیگر و دولت یاری می‌رساند (Gholtash, 2009). تربیت شهروندی تدارک فرصت‌هایی برای اشتغال دانش‌آموزان در تجربه‌های معنادار یادگیری است. به گونه‌ای که به تسهیل رشد آن‌ها به عنوان افراد متعهد و فعال اجتماعی و سیاسی بینجامد (Gholtash, 2012).

تربیت شهروندی، تربیت فرد است برای آن که به گزینش ارزش‌های والای انسانی بپردازد. تربیت شهروندی یک مفهوم متکثر و چندچهره است که جوانب اخلاقی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرد و مباحثی چون مردم‌سالاری دینی، حقوق، مسئولیت‌ها، تحمل، بردباری، احترام و برابری را در بر می‌گیرد (Farimahini farahani, 2010: 12) بنابراین به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که تربیت شهروندی؛ مفهومی است که به مطالعات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه وابسته است و می‌توان آن را آموزش شیوه‌های مسالمت‌آمیز زندگی به‌طور خاص در یک جامعه (شهروندی ملی) و یا به‌طور عام در جامعه جهانی (شهروند جهانی) دانست (Kishani farahani, 2013). دراکر^۱ (۱۹۹۳) معتقد است که مفهوم تربیت شهروندی بیانگر مطالب زیر می باشد:

- توانایی دیدن مسائل و نحوه برخورد آن‌ها به عنوان شهروند جامعه جهانی
 - توانایی کارکردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسولیت در نقش یا وظیفه‌ای که به آن‌ها واگذار شده است.
 - توانایی درک، پذیرش و تحمل تفاوت‌های فرهنگی
 - توانایی تفکر انتقادی و سازمان‌یافته
 - تمایل به حل تعارضات خود با دیگران به روش‌های مسالمت‌آمیز
 - تمایل به حساس شدن حقوق بشر و دفاع از آن
 - تمایل به توانایی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی .
- (Ghaedi, 2006 :200)

بنابراین از جمله اهداف مهم تربیت شهروندی باید کمک به فراگیران در کسب هویت فردی، ملی و جهانی بوده تا به عنوان یک شهروند جهانی بر حل معضلات و مشکلات دشوار بین‌المللی

¹ Drucker

مانند تصادف جنگ، همه‌گیری ایدز، فقر جهانی و ... مشارکت فعال و کلیدی داشته باشد. همچنین آموزش شهروندی باید به افراد کمک کند تا شناخت شفاف و درستی از نقش خود در جامعه جهانی کسب نمایند و درک کنند، چگونه زندگی آن‌ها در جوامع فرهنگی‌شان، زندگی ملل دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد و چگونه رویدادهای جهانی می‌توانند زندگی روزمره آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهند. به‌طور کلی قلمرو برنامه‌های تربیت شهروندی به مرزهای ملی محدود نمی‌شود. بر این اساس، چرخه اجتماعی آموزش شهروندان از قلمرو فردی آغاز و سپس به خانواده، اجتماع محلی، ملی، منطقه ای و جهانی گسترش می‌یابد و در یک بافت تعاملی و متأثر از هم، با هم مرتبط هستند (Ghorchian & Eftekhazadeh, 2006) (شکل ۱).



شکل ۱. رویکرد کل نگر آموزشی شهروندی منبع: لادرس و کویسام بینگ^۱ (Ghorchian & Eftekhazadeh, 2006)

^۱ Loudres & Quisumbing

تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام

رشد روزافزون توجه به سنت‌ها و ارزش‌های ملی و در کنار آن حرکت به سوی ارزش‌های اصیل اسلامی که در قرآن و سیره پیشوایان اسلام نهفته است، به خوبی مشهود است (Kishani farahani et al, 2013). بنابراین ضروری است که نظام تربیتی کنونی نیز با در نظر گرفتن این شرایط و به کارگیری اصول و ارزش‌های راهگشای اسلامی، زمینه تربیت شهروندی کودکان و نوجوانان با توجه به آموزه‌های اسلامی را فراهم کرده و با الگو قرار دادن زندگانی معصومین (ع)، جامعه را به سمت تربیت شهروندی ناشی از اصول اساسی اسلامی سوق دهد.

تربیت شهروندی اسلامی تربیتی است که در راستای رسیدن به سعادت، کمال مادی و معنوی و تحقق جامعه توحیدی (امت)، به پرورش افراد جامعه می‌پردازد (Heydari et al, 2013). قرآن کریم انسان را موجودی صاحب کرامت از جانب خداوند می‌داند: لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ: همانا فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم (اسراء: ۷۰). این کرامت نظری می‌تواند بزرگواری‌های ارزشی و عملی فراوانی به همراه داشته باشد. به سبب همین کرامت باید همه تعالیم اخلاقی و حقوقی با عنایت به این اصل نظری و در سازگاری کامل با آن تنظیم شوند. هنگامی که بپذیریم انسان گوهری کریم و ارزشمند است، خواه ناخواه بر این باور خواهیم بود که نه تنها آزادی، امنیت، و غیره حق اویند، بلکه باید به گونه‌ای تفسیر و تنظیم شوند که با کرامت وی سازگار باشند (Pourtahmasebi & Tajoor, 2011). نگاهی گذرا به فرهنگ غنی اسلام نشان می‌دهد که جوامع اسلامی از حیث نظری و عملی، قابلیت ایجاد جامعه مدنی مبتنی بر تعالیم اسلامی را دارند. دین اسلام به ابعاد مختلف حیات اجتماعی و روابط انسان‌ها توجه فراوان داشته، آموزه‌های متعددی برای بهبود الگوی زندگی در جامعه اسلامی ارائه کرده است؛ از جمله حذف برتری نژادی و عشیره‌ای و قبول تقوا به عنوان ملاک برتری در روابط اجتماعی، رعایت عدالت به عنوان یکی از آرمان‌های جامعه اسلامی، اصل کرامت و احترام به حقوق شهروندی و احسان به عنوان الگوی نوع‌دوستی (Heydari et al, 2013). براین اساس می‌توان عنوان کرد که دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به مباحث مربوط به حقوق و تربیت شهروندی و همچنین ابعاد و مؤلفه‌های آن دارد. براین اساس می‌توان عنوان کرد که دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به مباحث مربوط به حقوق و تربیت شهروندی و همچنین ابعاد و مؤلفه‌های آن دارد. پژوهش‌های متعدد صورت گرفته در این رابطه نیز مؤید این مطالب می‌باشد. بهشتی و افخمی اردکانی (Beheshti & Afkhami ardekani, 2007) پژوهشی با عنوان تربیت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه به ارائه تعریف تربیت اجتماعی براساس سخنان حضرت علی(ع) پرداخته، آنگاه مبانی و اصول تربیت اجتماعی را بر مبنای نهج‌البلاغه استخراج نموده‌اند. مهر محمدی (Mehrmohammadi, 2012) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی سازواری مدعای نظریه‌های رقیب برنامه‌دستی برای تربیت شهروند دمکراتیک با تکیه بر روایتی شواہی» اذعان می‌کند، تربیت

شهروند دموکراتیک، از منظر دینی امری مطلوب و خواستنی است. از نظر او بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بر پایه الهیات سیاسی خود، با تاکید بر این مفهوم تربیتی، به عنوان یگانه نام معتبر برای نظام در شرف تاسیس بر پایه اسلام، در واقع مردم‌سالاری دینی یا به بیان دقیق‌تر دموکراسی اسلامی یا اسلام دموکراتیک را بنیان گذاشت. همچنین تربیت شهروند دموکراتیک، ضروری عصر جدید دانسته شده که از این منظر، پدیده‌ای جهانی است. کیشانی فراهانی (Kishani Farahani et al, 2013) در پژوهشی تحت عنوان مولفه‌های اساسی تربیت شهروندی^۵ اسلامی، به این نتیجه رسید که مؤلفه اساسی تربیت شهروندی اسلامی ایرانی مشتمل بر مؤلفه‌های ارزشمندی، هدفمندی، روشمندی، نوع‌دوستی، مردم‌سالاری دینی، شایسته‌سالاری، جستجوگری، استقلال فردی، کفایت، سلامت، وطن دوستی و اعتدال را نشان دادند. مؤلفه اساسی مردم‌سالاری دینی دارای بیشترین میانگین بوده است. قاسم‌پور خوشرودی و صفار حیدری (Ghasem pour khoshroudi & Saffar heydari, 2016) به مطالعه وضعیت و موانع توجه به مؤلفه‌های تربیت شهروند اسلامی در دانشگاه پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که از نظر دانشجویان در دانشگاه‌ها میزان توجه به مؤلفه‌های ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندی اسلامی پایین‌تر از متوسط ولی مؤلفه‌های بعد اخلاقی بالاتر از متوسط بوده است. اگرچه از لحاظ آماری داده‌های مربوط به این بعد نیز همچون ابعاد دیگر شهروندی اسلامی معنی‌دار نبوده است. همچنین یافته‌های بدست آمده از مصاحبه با استادان نشان می‌دهد که موانع تحقق شهروندی اسلامی در سه بخش اجرایی^۶ محیط برون‌سازمانی، ساختار و سیاست‌گذاری‌ها، مسئولین، نیروی انسانی کارآمد، فرهنگی^۷ برنامه‌های فرهنگی، نیروی انسانی، محیط دانشگاه و آموزشی^۸ برنامه‌های وزارت علوم، محتوای دروس، تعاملات استاد دانشجو قرار دارد. (Tan, 2007) در پژوهشی تحت عنوان اسلام و آموزش شهروندی در سنگاپور، چالش‌ها و کاربردها به بررسی و تحلیل مفهوم آموزش شهروندی در سنگاپور پرداخت. نتایج حاصل از پژوهش او نشان داد که تربیت شهروندی در سنگاپور باید به عنوان مفهومی چند بعدی، پیچیده و میان‌رشته‌ای در نظر گرفته شود. از دیگر نتایج پژوهش او این بود که باید نسبت به تنوع و تفاوت مذاهب آگاه بود و با احترام و قدرانی با آن‌ها برخورد کرد.

بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌کنید پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی پیرامون تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام انجام شده است و نتایج بسیاری در این زمینه بدست آمده است. از این رو پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام، درصدد پاسخگویی به سوالات زیر برآمده است.

سوالات پژوهش

- ۱) مبانی فلسفی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلامی کدامند؟
- ۲) ابعاد تربیت شهروندی از دیدگاه اسلامی کدامند؟
- ۳) دلالت‌های آموزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام از منظر ابعاد تربیت شهروندی (شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی، رفتاری-عملی) کدامند؟
- ۴) مدل مفهومی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام دارای چه ابعاد و مبانی اساسی می‌باشد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که با رعایت اصول موضوعه‌ی پارادایم کیفی به انجام رسیده است و طرح آن غیر پیدایشی است. محقق کیفی می‌تواند تحقیق خود را با طرح غیر پیدایشی (Non-Emergent Design) به انجام برساند (Lincoln & Guba, 1985). در طرح غیر پیدایشی محقق ابتدا به گردآوری داده‌ها اقدام نموده و پس از آن به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد (Strauss & Corbin, 2006). بنابراین داده‌های مورد نیاز به روش اسنادی و با رعایت قاعده‌ی حداکثر تنوع و اصل اشباع شدگی در انتخاب اسناد مرتبط با موضوع پژوهش، گردآوری شدند. همچنین داده‌های گردآوری شده، پس از اجرای قاعده‌ی سازواری داده‌های کیفی با استفاده از رویکرد توصیفی-تفسیری مورد و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

مبانی فلسفی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام کدامند؟

هر جهان‌بینی و ایدئولوژی از جمله اسلام بر پایه مبانی، ابعاد فلسفی و نگرشی خاص خود می‌باشد که پیروان آن در راستای قوانین این مکاتب عمل می‌کنند. برای فهم ابعاد تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام، نیازمند شناختی از شاکله‌های بنیادین آن هستیم؛ این مبانی فلسفی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی می‌باشد. به بیان دیگر در صورت فهم و درک درست این مبانی، مفهوم تربیت شهروندی و ابعاد آن نیز، دقیق‌تر تحلیل و بررسی می‌شود.

هستی‌شناسی: اصولا مکاتب مختلف برای توصیف و تبیین جهان و پدیده‌های هستی تحلیل

و تفسیری از پدیده‌ها و جهان هستی دارند. اسلام مکتبی است که یگانه‌پرستی را به عنوان عالی‌ترین و دورترین هدف‌ها مد نظر دارد. یعنی پرستش و توجه و تمرکز روی یک هدف والای توحیدی که پرستش خداوند است. اسلام به شهروندی می‌آموزد که «کمال ایمان در توحید و یگانه دانستن او و تکامل توحید، در اخلاص به ساحت قدس ربوبی است و اخلاص هم فقط به احدیت

ذات حق و در پرتو نفی صفات زاید صورت می‌گیرد». در جهان‌بینی اسلامی همه پدیده‌ها در حال حرکت و تکامل هستند. تعلیم و تربیت در حوزه هستی‌شناسی باید بر شناخت عالم طبیعت و کشف قوانین حاکم بر آن مبتنی باشد. بدین‌صورت همه پدیده‌ها دارای قوه و استعدادهایی هستند که در مسیر حرکت برای تکامل این قوه، استعدادها را به فعلیت می‌رساند. در این زمینه هم انسان دارای ویژگی تکاملی است، که از ویژگی وجودی و ماهیت او سرچشمه می‌گیرد. بنابراین انسان صاحب بعد معنوی است، هم بعد معنوی و هم بعد جسمانی یک هدف را دنبال می‌کنند و در پی تکامل هستند (Bagheri, 2009). اسلام برای شهروند پرورش‌یافته مکتب الهی خود، هستی را دارای هماهنگی و هدف از پیش مشخص، معرفی می‌کند و این امر نقطه مقابل فلسفه کانتی و دکارتی است که هستی را فاقد هدف از پیش تعیین‌شده می‌دانند (Nasr, 2010) خلاصه مطلب اینکه هستی‌شناسی اسلام:

- زمینه تربیت شهروندی در شناخت خالق جهان می‌باشد که هر آنچه وجود دارد آفریده اوست.
- سیر اهداف در جهان در پرتو رشد تکاملی و به تبعیت از نظم موجود در جهان است.
- شهروند به عنوان جزئی از هستی تربیت می‌شود که برای غایت مند نمودن زندگی نیاز به تربیت اسلامی دارد.

جدول ۱. هستی‌شناسی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام

جهان آفرینش آیت و نشانه خداوند است.
خداوند هم مبدأ و هم مقصد هستی است.
همه پدیده‌های هستی در حال حرکت و تکامل هستند و تجلی صفات الهی هستند. (تکامل - سلسله مراتب)
دارای هماهنگی و هدف هستند که از قبل وجود داشته است.
شهروند را بصورت فعال در نظر می‌گیرد که جهت رسیدن به اهداف باید تلاش کند.
هستی کلیتی جامع دارد و اجزای آن هم مشخص است.
انسان برترین مخلوق خداوند و خلیفه او بر روی زمین است.

معرفت‌شناسی: راه‌های شناخت در اسلام در چند مقوله خلاصه می‌شود که شهروند مورد نظر با جهان هستی ارتباط برقرار می‌کند و در جهت رستگاری ابدی بکار می‌گیرد:

عقل: در قرآن کریم عقل به عنوان وجه تمیز از سایر مخلوقات حایز اهمیت است. عقل در قرآن دارای دو معنی است. ادراک و نیروی درک که ماحصل آن تمیز بین خیر و شر

است (Tabatabaei, 1999). از نظر معرفت‌شناسی اسلامی عقل تنها بر بخش کوچکی از هستی مشرف و شناخت دارد، اما بر بخش بزرگتر جهان هستی نمی‌تواند شناخت حاصل کند (Malekiyan, 2000). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند بزرگ‌تر از آن است که عقول بشر با تفکر و تعقل او را متصور و محدود سازند» (Nahj al-Balaghah, 2014: sermon 155). بنابراین عقل لازم اما کافی نیست.

قلب: ابزاری دیگر در راه کسب معرفت است. بر اساس آیات قرآن^۱ از نشانه‌های آن است. همچنین خداوند متعال بشارت می‌دهند مردمی را که در راه خدا مجاهدت کرده و اخلاص می‌ورزند و پاداش ایشان هدایت غیبیشان است.^۲ از طرف دیگر قوای نفس انسان را که منشاء صفات پسندیده و ناپسند است شامل قوه عاقله، غضبیه و شهویه می‌باشد. قوه عاقله منشاء علم و حکمت است.^۳ مشاهده می‌کنیم که در مکتب اسلام برای تربیت شهروند راه‌هایی شناخت مسائل، اهداف، راه‌کارها و جهان‌بینی‌ها را در وجود خود شهروند جستجو می‌کند. برای اینکه یک شهروند به شناخت دست یابد از قوه‌های نفسانی یا درونی خویش مدد می‌گیرد. از سوی دیگر همین قوای درونی، خود می‌تواند موانعی برای شناخت مورد نظر در مکتب اسلام می‌باشد. چنانکه بیان می‌شود، می‌توان از جمله موانعی که انسان را از دستیابی به معرفت باز می‌دارد مواردی شامل تکبر و خودمحوری^۴، مجادله از روی جهل^۵، توجه به افسانه‌ها^۶، خودفریبی^۷، خودفراموشی^۸، انکار و لجابت^۹ ماندن در شرک و تردید^{۱۰}، عدم دوری از غفلت و ظن را نام برد. (Nasr, 2008).

به طور کلی تربیت شهروند از منظر معرفت‌شناسی یعنی:

- ایجاد زمینه‌های لازم برای پرورش عقلانی و کسب شناخت صحیح درباره خدا، جهان و انسان
- آمادگی قوای وجودی شهروند برای بهره‌وری از منابع مختلف کسب معرفت
- ایجاد زمینه‌های لازم برای پرورش شهروند

^۱ (ق-۷)، (عد-۲۸) و (فتح-۴)

^۲ عنکبوت آیه ۶۹

^۳ (بقره، ۲۶۹)

^۴ (جائیه-۸)

^۵ (الحج-۸)

^۶ (نحل-۲۴)

^۷ (بقره-۹)

^۸ (حشر-۱۹)

^۹ (عنکبوت-۴۹)

^{۱۰} (دخان-۸ و ۹)

جدول ۲. معرفت شناسی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام

بررسی دنیای پیرامون برحسب تجلیات امر مقدس همراه با تعقل، شهود جهت تبیین جهان بینی شهروند (حسی-شهود)

متافیزیک به عنوان امری اساسی بر واقعیت های ذهنی و تجربی تقدم دارد.

هدف تربیت همراه با مجاهدت شهروند جهت اتصال به ریسمان الهی است و دستیابی به امر قدسی اساس هدف شناختی را شکل می دهد.

عقل به مثابه یکی از ابزارهای شناخت می باشد.

درک شهروند از واقعیات مبتنی بر ایمان است.

جهان خارج از ذهن واقعیت دارد. معرفت قطعی قابل وصول است و امکان شناخت اشیاء و پدیده های جهان هستی به صورت حقیقی وجود دارد. حقیقت امری همیشگی و لایتغیر است ولی بر اساس نوع نگاه و رویکردهای افراد بشری امکان تغییر در علم (معرفت به حقیقت) وجود دارد. ملاک علم معتبر مطابقت با نفس الامر است. نفس فاعل شناسا، مبدع علم است. قابلیت تقسیم علم از جنبه های مختلف وجود دارد.

ارزش شناسی: بعد دیگر در زمینه تربیت شهروندی مربوط به ارزش شناسی هست که برای یک شهروند مسلمان چه ویژگی های ارزشی مد نظر هست و اینکه ارزش های مورد نظر اسلام برای تربیت افراد کدام است؟ در فلسفه اخلاق، ارزش عبارت از مطلوبیتی انسانی است که از انجام افعال اختیاری انسان به راهنمایی عقل و به صورت آگاهانه و بر اساس نیت و انگیزه صحیح در راستای خواست متعالی او حاصل شود (Mirzamohammadi, 2006). خداوند متعال در سوره نور آیه ۵۵ به کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند، وعده آگاهی و عزت در دنیا و از میان بردن ناامنی بشارت می دهند. حاصل این امر خدا پرستی خواهد بود. زیرا کمال انسان در آن است. با این حال زمانی که ناامنی، گرسنگی و ذلت در میان باشد، زمینه برای رشد معنوی و روحی انسان ها فراهم نخواهد شد. در سایه عدالت، این آسایش و امنیت، انسان ها می توانند به تعالی روحشان پردازند. پس هدفی که اسلام در نظر دارد تکامل روح است. این هدف بر همه ارزش ها ارجح است. به تعبیر دیگر ارزش مطلق در اسلام خداپرستی و تقواست. در زمینه ارزش شناسی پنج عنصر از دیدگاه اندیشمندان اسلامی توسط احمدی عنوان شده است:

۱- «ملاک ارزش کار تاثیر آن در کمال نفس انسان است. ۲- هر کاری که بیشترین تاثیر را در بالاترین کمال انسان داشته باشد عالی ترین تاثیر را خواهد داشت ۳- هر کاری که

^۱ سوره علق آیه ۸- ۷

بیشترین تاثیر را در دور شدن انسان از خدا داشته باشد، پست‌ترین ارزش‌ها و بدترین ذلت‌ها را خواهد داشت. ۴- در بین این دو قطب مفروض مرزی واقع شده که همان بی ارزشی خواهد بود. ۵- ارزش‌های اخلاقی در طول، هم تابع نیت است و هم تابع شکل کار. پس ارزش هم تابع نیت است» (Ahmadi, 2004: 34-35).

جدول ۳. ارزش‌شناسی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام

مطلق - نسبی - دارای سلسله مراتب
ارزش‌ها مطلق و قائم به ذات هستند (ارزش مطلق در اسلام، خداپرستی و تقواست)
خلیفه بودن خداوند بر زمین
ارزش‌ها تابع قرارداد و ارزشگذاری بدون واسطه نمی باشد.
ارزش‌ها ثمره وحی و احادیث معصومین می باشد.
شهروند تربیت یافته مکتب اسلام آگاه و صاحب مسیر از قبل تعیین شده برای رسیدن به رستگاری و حکمت جاویدان می باشد.
شهروند دارای اراده، اختیار و قدرتی است که از خالق هستی بدست آورده است.

بنابراین همانطور که ملاحظه شد، تربیت شهروند اسلامی با توجه به مبانی فلسفی آن (هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی، معرفت‌شناسی) تحلیل و مورد بررسی قرار گرفت. از طرف دیگر در راستای درک و فهم بیشتر مفهوم تربیت شهروندی اسلامی، از نگاهی متفاوت و در قالب الگوی نظری تورنی^۱ و همکاران (Shari poor, 2004: 183) و قلتاش (2012)، تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام تحلیل و در ادامه مدل نظری پژوهش حاضر بر مبنای مفروضات مبانی فلسفی تربیت شهروندی و همچنین با در نظر گرفتن ابعاد تربیت شهروندی مدنظر تورنی و قلتاش، ارائه می شود.

ابعاد تربیت شهروندی از دیدگاه اسلامی کدامند؟

تربیت شهروند اسلامی، در پژوهش حاضر با توجه به اندیشه تورنی و قلتاش یعنی فرآیند انتقال مهارت‌ها، دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت و ثبات جامعه از یک نسل به نسل دیگر می‌باشد و در سه حوزه شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی و رفتاری-عملی در نظر گرفته شده است.

¹ Torny

² Gholtash

بعد شناختی - نگرشی

برای یک شهروند مسلمان افزایش دانش و آگاهی فرد از مولفه ها و مصادیق شهروندی که در جامعه مفید و فعال باشد و مهارت‌هایی را کسب کند که برای تحلیل و ارزیابی هرچه بهتر رفتار شهروندی به کار آید، ضروری است. از نظر اسلام درک و فهم پیرامون شهروندی (هرچند نه با این اصطلاح) مد نظر است. مکتب اسلام بشر را در موضع کلی و افراد جامعه یا همان شهروندان را مخاطب خویش قرار می دهد. طبق آنچه در ادامه از بررسی‌های صورت گرفته پیرامون تربیت شهروند حاصل می شود، مشخص می شود که از اهداف اسلام شناخت حیطه‌های شهروندی است، که علاوه بر اهداف، زمینه پژوهشی که نقد و تحلیل مسائل و موضوعات شهروندی را به همراه آورد، داشته باشد (جدول ۴).

جدول ۴. ابعاد و مولفه های بعد شناختی-نگرشی تربیت شهروندی در اسلام

مولفه ها	تربیت شهروندی در اسلام
شناخت حکومت و دولت	دستیابی به مناصب حکومتی برحسب قوانین دینی است- حکومت دینی خالصانه تضمین کننده حکومت الهی در جهت رفاه، عدل و.. است.
فهم فرایند پژوهش	تربیت شهروند کاوش و تحقیق در زمینه مسیر انتخاب شهروندان، از طریق صواب یا خطا است که منجر به شناخت حقیقت واقعی گردد.
خدا محوری عینی گرایی	آموزش شهروندی در این زمینه مربوط به دستوراتی است که به یکتاپرستی می انجامد بدین معنی که اصالت مطلق تنها خاص اوست.
شناخت حقوق بشر	در فرایند آموزش شهروندی شناخت و پذیرش حقوق بشر به معنای تکالیفی است که انسان به عنوان جانشین خداوند در برابر او و نسبت به بندگان، بر روی زمین دارد.
شناخت جریانات سیاسی	شهروند فعال به عنوان نماد فکری جامعه مد نظر است که در پروسه شناخت مسائل همواره باید بر تبیین دینی و مبادی الهی تکیه کند.
شناخت ساختار حکومتی، در سطوح مختلف جامعه	تربیت شهروند کارآمد اسلامی قانون مدار و آگاه به روابط و ساختار در سطوح مختلف و بدور از استبداد و خودرئائی است. و این شناخت زمانی اعتبار پیدا می کند که وسیله ای در جهت شناخت و تحقق اهداف الهی و انسانی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی باشد.

بعد انگیزشی - عاطفی

وجوه مشترکی که تربیت شهروندی در جامعه را تشکیل می دهد شامل هدف‌ها، عقاید، آرزوها و دانستنی‌های مشترک می باشد که برای دستیابی به آن‌ها باید گرایش‌های عقلی و عاطفی معینی

در آن جامعه برقرار کرد و در افراد انگیزه‌ای بوجود آورد تا در جهت رفع توقعات و حوائج خودشان دست به کنش بزنند (Torney-purta, 2003) (جدول ۵).

جدول ۵. ابعاد و مولفه های بعد انگیزشی-عاطفی تربیت شهروندی در اسلام

مولفه ها	تربیت شهروندی در اسلام
ایجاد اعتماد به نفس	اسلام شهروند را در صبر و ثبات و تقوا در زندگی دعوت می کند، سپس چنین تبیین می شود که این امر زمینه پرورش اعتماد به نفس در شهروند را تقویت می کند.
محیط زیست	انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین است، او فرمانروای مطلق بر زمین و طبیعت نیست بلکه بخشی از مسولیت این جانشین را متوجه عالم آفریده خداوند می داند و سنت و مابعد الطبیعه در راه ایجاد حس مسئولیت پذیری شهروندان نسبت به طبیعت، اساسی است.
احترام به ارزش ها و سنت	(احیای ارزش های عرفی ° عقلایی) وظیفه و مسئولیت همگانی شهروندان است که به هدف غایی یعنی ذات اقدس الهی در همه حال توجه کنند.
احترام به عقاید دیگران	همزیستی؛ به این معنا که هر طرف بپذیرد که طرف مقابل نیز حق دارد عقاید خود را داشته باشد و به شعائر مذهبی خود عمل نماید و همه مردم شهروندانی عادی هستند با حقوق و وظایف یکسان که همگی برای دستیابی به منافع عمومی و دفع خطر مشترک در جهت وصول به جامعه دینی با هم همکاری کنند.
خوشبینی و رغبت	حس برادری و هم زیستی مسالمت آمیز را با خوشبینی به همدیگر و آموزش یا القاء این ایده با اتکا بر صداقت در رفتار و گفتار توسط شهروندان به یکدیگر جهت درک آرامش حال و آینده.
نوع دوستی	نوع دوستی به عنوان یک ارزش بنیادین و والا در نظر گرفته می شود که در موقعیت های مختلف هم بر اساس همان مبادی ثابت الهی است.

بعد عملی - رفتاری: در این بعد از تربیت شهروندی به توسعه توانمندی ها و مهارت های عملی و اجتماعی شهروند توجه می شود و شهروند در جریان فعالیت های یاد دهی و یادگیری پرورش می یابد و با تدارک فرصت های مشارکت و تعامل سازنده در فرآیند فعالیت رشد و پرورش می یابد. آنچه که در تربیت شهروندی این بخش از تحقیق مدنظر هست مربوط به نوع پرورش شهروند در زمینه ی توانمندی ها و مهارت های شهروند می باشد (جدول ۶).

جدول ۶. ابعاد و مولفه های بعد رفتاری-عملی تربیت شهروندی در اسلام

مولفه ها	تربیت شهروندی در اسلام
قانون پذیری	به شهروند آموزش داده می شود که تسلیم اراده خداوند و قوانین الهی باشد و پذیرش این قوانین بصورت امری درونی اتفاق می افتد.

<p>تجربه در راستای واقعیت نهایی ظاهر می گردد.</p> <p>اندیشه خدامحوری حاکم بر همه شؤونات زندگی انسان است و این امر چنان مهم می باشد که دیگر اهداف جزئی در راستای رسیدن به رضای خداوند قرار دارند.</p> <p>تعاون و همکاری بین شهروندان بر مبنای تقوای الهی مد نظر می باشد که سبب مشارکت شهروند در زندگی فعالانه است.</p> <p>هدف از آموزش حل مسائل مختلف زندگی است. بدیهی است در شرایطی که شهروند مراتب بندگی خالص برای خداوند همراه با ایمان و تقوا را کسب نماید و قلب خود را در رابطه با استعانت از ذات اقدس الهی قرار دهد راهکارهای مواجهه با مسائل را شناخته است.</p> <p>به سبب آلام و مسائل مشترک آدمیان، ارتباط با دیگران براساس یک زبان مشترک اهمیت والایی پیدا می کند.</p> <p>مشارکت در امور جامعه یعنی استفاده از توان و استعداد افراد در امور جامعه است. پیشرفت جامعه صالح باید حاصل عمل تعاملی و مداوم متریبان با مجموعه‌ای از افراد به نام مربی باشد.</p> <p>مسئولیت پذیری در اسلام شامل مسئولیت انسان در قبال پروردگار بدین معنی که در پرتو تعقل و اختیار، تحت مشیت الهی، بر سرنوشت خویش حاکم می شود قرار می گیرد. سپس حقوق انسان‌ها و سایرین مدنظر است.</p> <p>در زمینه معنا، حقیقت، و تحقیق، همراه با تعهد شهروندان به جامعه انسانی، می توانند به عنوان ابزارهای ارزشمندی برای پرورش شهروند جهانی و ساخت جوامع جهانی عمل کنند. در این مقوله استفاده از روش‌های تجربی علم و تکنولوژی در برابر تلاش‌های سیاسی و مذهبی در بعد جهانی مد نظر است.</p>	<p>تجربه گرایی</p> <p>هدفمندی</p> <p>مشارکت و همکاری</p> <p>مهارت حل مساله</p> <p>مهارت ارتباطی-زبانی</p> <p>مشارکت در امور جامعه</p> <p>مسئولیت پذیری</p> <p>مواجهه عاقلانه با جهانی شدن</p>
---	---

بنابراین همانگونه که ملاحظه شد، تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام را می توان با توجه به مبانی و جهان بینی آن که در بر گیرنده هستی شناسی، ارزش شناسی و معرفت شناسی می باشد و هم با توجه به ابعاد آن یعنی شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی و رفتاری عملی در نظر گرفت و آن را به صورت دقیق مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در ادامه با در نظر گرفتن مبانی فلسفی و همچنین ابعاد تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام، مدل نظری پژوهش حاضر ارائه می شود.

دلالت های آموزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام از منظر ابعاد تربیت شهروندی (شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی، رفتاری-عملی) کدامند؟

آماده سازی کودکان و نوجوانان برای زندگی اجتماعی به یک نگرانی مهم برای مقامات آموزشی اکثر کشورها تبدیل شده است و طیف وسیعی از تلاش‌ها و تدابیر آموزشی و پژوهشی آن‌ها صرف

شناسایی ابعاد برنامه‌های درسی شهروندی و نحوه پرورش موثر آن‌ها در حیطه شهروندی می‌شود (Choob ghaloo, 2008). به بیان دیگر از مهم‌ترین کارکردهای آموزش و پرورش، در زندگی معاصر و جامعه کنونی، تربیت شهروندان فعال، خلاق و مسئولیت پذیر برای بر عهده گرفتن نقش‌های شهروندی در جامعه شهروندی در سطح محلی، ملی و جهانی است؛ در واقع تربیت شهروندی تدارک فرصت‌های کسب دانش و آگاهی، اتخاذ نگرش و تقویت توانمندی‌هایی است که فرد را در تعامل موثر با دیگر افراد جامعه در جهت مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی یاری می‌رساند (Yavari et al., 2013). این مسئله در کشور ایران ابعاد دیگری نیز به خود می‌گیرد که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر از آنجایی که نظام آموزش و پرورش ایران تحت تاثیر ایدئولوژی و ارزش‌های دین مبین اسلام قرار دارد، بنابراین طبیعی است که تربیت شهروندی نیز باید در راستای این ایدئولوژی و ارزش‌ها قرار گیرد و براساس آن در نظام آموزش و پرورش پیاده شود. به همین دلیل در سال‌های اخیر تحقیقات و پژوهش بسیاری در این ارتباط انجام گرفته است. پژوهش حاضر نیز در راستای مطالب ذکر شده و با توجه اهمیت تربیت شهروندی اسلامی در نظام آموزش و پرورش کنونی ایران، از منظر ابعاد شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی، رفتاری-عملی به بررسی دلالت‌های آموزشی آن برای نظام تربیتی ایران پرداخته است.

بعد شناختی-نگرشی

در دو دهه اخیر، نگاه ویژه تربیت برای شهروندی فعال، این عرصه را دچار تحول عمیق نموده و بازنگری همه جانبه برنامه‌های درسی و عناصر آن را در سطوح مختلف ضروری ساخته است (Yavari et al., 2013). از جمله این سطوح در نظام آموزش و پرورش که باید مورد بازنگری قرار گرفته و در راستای ارزش‌ها و باورهای اسلامی قرار گیرد، بعد شناختی-نگرشی تربیت شهروندی می‌باشد. به بیان دیگر اهداف، برنامه‌ها و تمام فعالیت‌های نظام آموزش و پرورش در زمینه تربیت شهروندی باید دربرگیرنده مولفه‌های تربیت شهروندی از جمله شناخت حکومت و دولت، فهم فرآیند پژوهش، شناخت حقوق بشر، شناخت جریان‌ات سیاسی، شناخت ساختار حکومتی در سطوح مختلف جامعه باشد.

بنابراین دانش آموزان باید در نظام آموزشی تحت تاثیر مولفه‌های تربیت شهروندی، آموزش ببینند. از طرف دیگر برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی درون مدارس نیز باید بازتاب دهنده این مولفه‌ها (تربیت شهروندی) بوده و آن‌ها را انعکاس دهند. مولفه‌ها و مفاهیمی همچون حقوق بشر، شناخت جریان‌ات سیاسی و ساختار حکومتی و غیره در صورتی که در برنامه‌ها و اهداف نظام آموزشی، در ذهن و فکر دانش آموزان نهادینه شده و در آینده آن‌ها در راستای به کارگیری آن‌ها

در زندگی خود اقدام خواهند کرد و مهمترین هدف نظام تربیتی که همان تربیت شهروند آگاه و بصیر برای جامعه است محقق می شود.

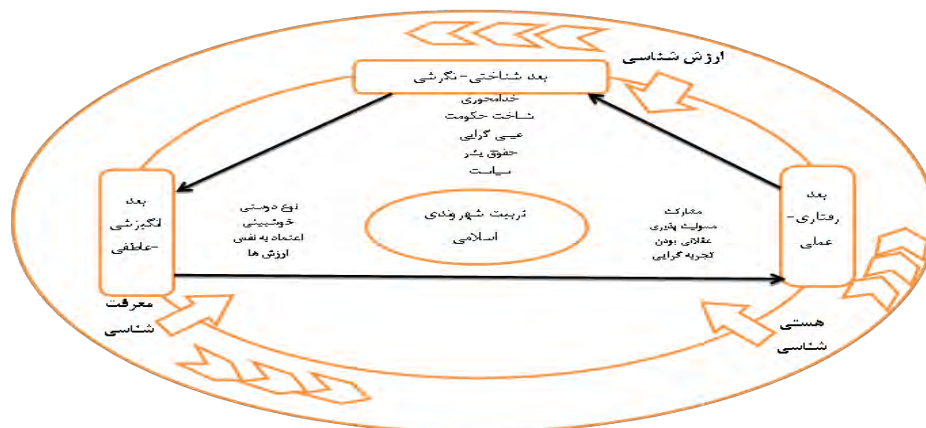
بعد عاطفی - انگیزشی: تربیت شهروندی جهت گیری‌ها و رویکردهای مختلفی را شامل شود (که این جهت گیری‌ها نیز باید ابعاد تربیت شهروندی را مورد توجه قرار داده و در راستای نهادینه کردن آن‌ها در نظام آموزش و پرورش کوشش کنند (Gholtash et al, 2008). از جمله ابعاد تربیت شهروندی که باید مورد توجه قرار گرفته و در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی به کار گرفته شود، بعد انگیزشی - عاطفی تربیت شهروندی می‌باشد. این بعد دربرگیرنده مولفه‌های ایجاد اعتماد به نفس، محیط زیست، احترام به ارزش‌ها و سنت، احترام به عقاید دیگران، خوشبینی و رغبت، نودوستی می‌باشد. به بیان دیگر نظام آموزش و پرورش کشور به منظور ارتقا و پیاده‌سازی مفهوم تربیت شهروندی در مدارس و نهادهای دیگر آن‌ها در فکر و ذهن دانش‌آموزان، باید این مفاهیم را در تمام برنامه و فعالیت‌های خود در نظر بگیرند. در این صورت است که دانش‌آموزانی در نظام آموزشی تربیت خواهند شد که دارای اعتماد به نفس زیاد در مسائل تحصیلی و غیر تحصیلی بوده و نسبت به آینده تحصیلی و شغلی خود امیدوار هستند. از طرف دیگر دانش‌آموزان احترام به ارزش‌ها و سنت‌ها و همچنین دوستی با محیط زیست به منظور پایداری آن‌ها را در تمام اوقات مدنظر قرار داده و در حفظ و نگهداری آن‌ها کوشش خواهند کرد.

بعد رفتاری - عملی: تربیت شهروندی فرایندی است که شهروندان فعال، مطلع، حساس و کارآمد در زندگی مدنی و امور مربوط به ناحیه خود را ایجاد نموده و جنسیت‌ها، نژادها و ساختار طبقاتی را معرفی کرده و عدالت اجتماعی و تنوع را گسترش داده و افراد را به تامل و مشارکت در جریان‌های سیاسی و تصمیم‌گیری آماده می‌نماید (Choob Ghaloo, 2008) به بیان دیگر نظام آموزش و پرورش در راستای به کارگیری این‌ها از تربیت شهروندی، زمینه‌های مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، حل مساله، مسولیت‌پذیری و غیره را فراهم می‌کند. از این رو در صورتی که بعد رفتاری - عملی تربیت شهروندی در نظام آموزش و پرورش و به خصوص در مدارس نهادینه شود، دانش‌آموزان به قطع، مسولیت‌پذیرتر، قانون‌پذیرتر شده و در امور مختلف جامعه به صورت هدفمندی مشارکت خواهند و در این صورت است که جامعه نیز از داشتن چنین افراد آگاهی نهایت بهره را خواهد برد و گام حرکت به سمت پیشرفت را سریع‌تر خواهد پیمود.

مدل مفهومی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام دارای چه مبانی و ابعاد اساسی می

باشد؟

تربیت شهروندی اسلامی به معنای تربیت شهروند در راستای باورها، اصول و ارزش‌های اسلامی می باشد. به بیان دیگر این نوع تربیت، درصدد رشد و اعتلای انسان‌ها به درجات و مراتب کمال انسانی و همچنین شکوفایی تمام استعدادهایش هست. از این رو باید همه جوانب و ابعاد وجودی انسان (شناختی، عاطفی و عملی) را در برگیرد و در جهت جهان بینی الهی تنظیم شود؛ زیرا تنها در این صورت است که می‌توان به اهداف نهایی تربیت شهروندی که همان رسیدن به قرب الهی یا رضای خداوند می‌باشد، نائل شد. بنابراین تربیت شهروندی اسلامی هر سه بعد وجودی انسان یعنی شناختی- نگرشی، رفتاری- عملی و انگیزشی- عاطفی را باید مد نظر قرار داده و براساس مولفه های اساسی آن‌ها اهداف و رسالت‌های خود را تدوین کند. به طور مثال بعد شناختی- نگرشی تربیت شهروندی اسلامی، باید خدامحور و در عین حال توجه زیادی به مسائل مرتبط با حقوق بشر داشته باشد و یا در بعد انگیزشی- عاطفی، نوع دوستی و احترام به دیگران و ... از جمله مهمترین مسائلی است که در این نوع تربیت باید مدنظر قرار گیرد. در بعد رفتاری- عملی نیز مهمترین عواملی که باید مورد توجه قرار گیرد و تربیت شهروندی براساس آن‌ها تنظیم و تهیه شود، مشارکت، مسولیت پذیری، عقلانی بودن و ... می‌باشد. به طور کلی می‌توان عنوان کرد که تربیت شهروندی اسلامی در بر گیرنده سه بعد اساسی (شناختی- نگرشی، انگیزشی- عاطفی، رفتاری- عملی) بوده که به طور مداوم بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند و حرکت در راستای تربیت شهروندی صحیح، بدون توجه به این سه بعد وجودی انسان امکان پذیر نیست و در صورت به کارگیری نیز نتایج مثبتی به بار نخواهد آورد. از طرف دیگر این ابعاد سه گانه وجود آدمی که تربیت شهروندی باید براساس آن‌ها تدوین، تنظیم و اجرا شود باید در راستای ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی قرار گیرد، تا نتایج رضایت بخشی از آن حاصل شود. این جهان بینی و مبانی فلسفی که تربیت شهروندی و ابعاد آن باید در جهت آن‌ها قرار گیرد، ارزش شناسی، هستی شناسی و معرفت شناسی می‌باشد. به بیان دیگر تربیت شهروندی اسلامی باید تمام مراحل و اصول خود را بر مبنای این مبانی تهیه و اجرا کنند. زیرا به طور مثال در صورتی تربیت شهروندی این اصل حیاتی که "جهان نشانه و آیت خداوند است" و یا "ایمان از جمله ملزومات اساسی رستگاری است"، را در نظر نگیرد، هرگز نمی‌تواند انسان را در جهت نیل به اهداف الهی و اسلامی هدایت کند. ارتباط این ابعاد و مبانی اساسی تربیت شهروندی اسلامی را در شکل ۲ ملاحظه می‌کنید.



شکل ۲. مبانی و ابعاد تربیت شهروندی

بحث و نتیجه گیری

تربیت شهروندی از زمینه‌هایی است که در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و دامنه مباحث و پژوهش‌های آن به طور فزاینده‌ای گسترش یافته است (Heydari et al, 2013). به بیان دیگر در حال حاضر تعلیم و تربیت شهروندی به عنوان مفهومی چالش برانگیز در نظر گرفته می‌شود و مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف نیز با توجه به اصول و ارزش‌های اساسی خود به تحلیل و بررسی آن پرداخته‌اند. متفکران و مکاتب غربی علی‌رغم پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی که در زمینه تربیت شهروندی، اصول، ابعاد، پیامدها و ... انجام داده‌اند، نتایج امیدوارکننده‌ای ارائه نکرده‌اند و بیشتر مباحث آن‌ها در این زمینه، حول محور غایات مادی تربیت شهروندی در نظر گرفته می‌شود. در حالی که در سال‌های اخیر و به همت پژوهشگران و متفکران ایرانی مباحث مربوط به تربیت شهروندی در دین اسلام به طور دقیق مورد تحلیل قرار گرفته و از زوایای گوناگون بررسی شده است و پیامدهای گسترده و مثبتی در ابعاد فردی و اجتماعی در پی داشته است. در همین رابطه و با توجه به اهمیت مفهوم تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام، پژوهش حاضر درصدد واکاوی این مفهوم بنیادی برآمده است و از لحاظ مبانی و فلسفی و همچنین ابعاد آن، این مفهوم را بررسی کرد و در نهایت مدلی پیشنهادی در این زمینه ارائه داد.

در پاسخ به سوال اول پژوهش که به دنبال تحلیل و تفسیر مبانی فلسفی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلامی بود، سه مفهوم کلی هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی به عنوان مبانی فلسفی تربیت شهروندی اسلامی در نظر گرفته شدند. هر یک از این مفاهیم نیز در بردارنده اصول و مولفه‌هایی هستند که مسئولان نظام تربیتی باید در ارتباط با تربیت شهروندی آن‌ها را مورد توجه

و دقت قرار دهند. از جمله اصول هستی‌شناسی که در تربیت شهروندی باید مدنظر قرار بگیرد و در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفت عبارت است از: "جهان آفرینش آیت و نشانه خداوند است؛ خداوند هم مبدأ و هم مقصد هستی است؛ همه پدیده‌های هستی در حال حرکت و تکامل هستند و تجلی صفات الهی هستند؛ هدف مندی؛ شهروند را بصوت فعال در نظر می‌گیرد که جهت رسیدن اهداف باید تلاش کند؛ هستی کلیتی جامع دارد و اجزای آن هم مشخص است؛ انسان برترین مخلوق خداوند و خلیفه او بر روی زمین است؛ انسان برترین مخلوق خداوند و خلیفه او بر روی زمین است."

همچنین اصول ارزش‌شناسی که می‌تواند راهنمایی برای به کارگیری صحیح تربیت شهروندی شود و در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از "ارزش‌ها مطلق و قائم به ذات هستند (ارزش مطلق در اسلام خداپرستی و تقواست)؛ خلیفه بودن خداوند بر زمین؛ ارزش‌ها تابع قرارداد و ارزش‌گذاری بدون واسطه نمی‌باشد؛ ارزش‌ها ثمره وحی و احادیث معصومین می‌باشد؛ شهروند تربیت یافته مکتب اسلام آگاه و صاحب مسیر از قبل تعیین شده برای رسیدن به رستگاری و حکمت جاویدان می‌باشد؛ شهروند دارای اراده، اختیار و قدرتی است که از خالق هستی بدست آورده است."

از منظر معرفت‌شناسی نیز مهمترین اصول برگرفته شده از پژوهش حاضر به منظور ارائه بهتر و مناسب‌تر تربیت شهروندی شامل: بررسی دنیای پیرامون برحسب تجلیات امر مقدس همراه با تعقل؛ شهود جهت تبیین جهان بینی شهروند؛ متافیزیک به عنوان امری اساسی بر واقعیت‌های ذهنی و تجربی تقدم دارد؛ هدف تربیت همراه با مجاهدت شهروند جهت اتصال به ریسمان الهی است و دستیابی به امر قدسی اساس هدف شناختی را شکل می‌دهد؛ عقل به مثابه یکی از ابزارهای شناخت درک شهروند از واقعیات مبتنی بر ایمان است؛ جهان خارج از ذهن واقعیت دارد. معرفت قطعی قابل وصول است و امکان شناخت اشیاء و پدیده‌های جهان هستی به صورت حقیقی وجود دارد؛ حقیقت امری همیشگی و لایتغیر است ولی بر اساس نوع نگاه و رویکردهای افراد بشری امکان تغییر در علم (معرفت به حقیقت) وجود دارد؛ ملاک علم معتبر مطابقت با نفس الامر است؛ نفس فاعل شناسا، مبدع علم است. قابلیت تقسیم علم از جنبه‌های مختلف وجود دارد."

در پاسخ به سوال دوم پژوهش نیز که در ارتباط با ابعاد تربیت شهروندی از دیدگاه اسلامی بود، پژوهش حاضر در قالب ابعاد شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی و همچنین رفتاری-عملی به بررسی و تحلیل مفهوم تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام پرداخته است. به بیان دیگر تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام باید هر سه بعد ذکر شده از ابعاد وجودی انسان را در برگیرد و در زمان تدوین و تهیه اهداف و اصول آن‌ها دقیقاً در راستای شکوفایی این ابعاد باشد. مهمترین پیامدهای توجه به این ابعاد در ارائه تربیت شهروندی، "پرستش و عبادت خداوند یگانه؛ دستیابی به حیات

طبیعه؛ نیل به مقام عبودیت و قرب؛ پرورش روحیه اعتدال؛ تربیت انسان عاقل و عالم؛ مسئولیت پذیری " خواهد بود.

در پاسخ به سوال سوم پژوهش که در ارتباط با دلالت‌های آموزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام از منظر ابعاد تربیت شهروندی (شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی، رفتاری-عملی) بود، مرور و تحلیل مطالعات نشان داد که هر سه بعد تربیت شهروندی قابلیت کاربرد و پیاده سازی در نظام آموزش پرورش را دارند. به بیان دیگر نظام آموزش و پرورش مطلوب، باید در راستای نهادینه کردن مفهوم تربیت شهروندی اسلامی در نظام آموزشی به ویژه مدارس، هر سه بعد را در نظر گرفته و در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. در صورتی که این ابعاد (شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی، رفتاری-عملی) در برنامه‌های و فعالیت‌های آموزشی گنجانده شود، دانش‌آموزان نسبت به مقوله تربیت شهروندی، احساس مسولیت کرده و در راستای مولفه‌های آن‌ها از جمله توجه به حقوق بشر، احترام به سنت‌ها و ارزش‌ها، هدفمند بودن در زمینه تحصیلی و غیر تحصیلی و سایر موارد حرکت خواهند کرد. بنابراین نظام آموزشی به سمت دموکراتیک‌تر شدن و همچنین دانش‌آموزان نیز در جهت پرورش روحیه تفکر و کاوشگری خواهند رفت.

در نهایت در پاسخ به سوال چهارم در ارتباط با مبانی و ابعاد مدل تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام، پژوهش حاضر بر آن بود که هر نوع تربیت شهروندی که می‌خواهد در قالب الگوی اسلامی و با توجه اصول ارزش‌های مورد توجه قرار گیرد، ناگزیر خواهد بود که هر سه بعد وجودی انسان یعنی شناختی-نگرشی، انگیزشی-عاطفی و همچنین رفتاری-عملی را در نظر گرفته و مفهوم تربیت شهروندی و الزامات آن را براساس این ابعاد در نظر بگیرد. علاوه بر این و بر پایه نتایج بدست آمده هم تربیت شهروندی و هم ابعاد آن در صورتی به طور صحیحی مورد استفاده خواهند گرفت و نتایجی مطلوبی را به بار خواهند آورد که در راستای مبانی فلسفی تربیت شهروندی یعنی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی اسلامی تدوین و به کار گرفته شوند.

پیشنهادات

➤ نظام آموزش و پرورش مفهوم تربیت شهروندی اسلامی را به عنوان ضرورتی اساسی در نظر گرفته و در جهت نهادینه کردن آن در دانش‌آموزان تلاش کند.

➤ نظام آموزش و پرورش مفهوم تربیت شهروندی اسلامی را محدود به مقطع یا دوره، گروه و یا مواد آموزشی خاصی نکنند، بلکه این مفهوم باید در تمام دوره‌ها و گروه‌ها و همچنین در تمام کتاب‌ها و مواد آموزشی به کار گرفته شود.

- در کنار استفاده و به کارگیری منابع درسی به منظور آموزش دانش آموزان در مدارس، متون اسلامی همچون نهج ابلاغه، قرآن کریم و سایر روایات اسلامی نیز به موازات آن‌ها ارائه شود.
- به منظور نهادینه کردن مفهوم تربیت شهروندی اسلامی در نظام آموزشی به ویژه مدارس، معلمان باید از روش های تدریس فعال و همچنین مشارکت دادن گسترده دانش آموزان در فرایندهای یاددهی و یادگیری استفاده کنند.
- بازناندیشی اساسی در مفاهیم کتاب‌های درسی و جهت دادن این متون در راستای ارزش‌ها و باورهای اسلامی و گنجاندن آن‌ها در کتاب‌ها و مواد آموزشی
- آماده کردن بسترها و زیرساخت‌های مناسب از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به منظور به کارگیری مفهوم تربیت شهروندی اسلامی در کتب و مواد آموزشی

References

- Holy Qur'an. (1997). Ttranslated by Mohammad Mehdi Fouladvand, Tehran: Dar al-Qur'an al-Karim. (in Persian).
- Nahj al-Balaghah. (2014). Translated by Abdul Mohammad Ayati, Tehran: Islamic culture. (in Persian).
- Ahmadi,A. (2004). Value management based on Islamic values. Tehran: Tolide danesh. (in Persian).
- Bagheri,kh. (2009). A look at Islamic education. Tehran: Madreseh. (In Persian).
- Beheshti,S. & Afkhani ardekani,M. (2007). Explaining the foundations and principles of social education in Nahj al-Balaghah. Quarterly Journal of Islamic Educational School,vol 2,No,4,pp 7-38. (in Persian).
- Choob Ghaloo, M. (2008). Analysis of the curriculum implemented at the elementary level of the educational system of the Islamic Republic of Iran after the education of citizenship,Vol 5,No, 17,pp 1-33. (in Persian).
- Education, Audiovisual and Culture Executive Agency. (2012).Citizenship Education in Europe, This document is published by the Education, Audiovisual and Culture Executive Agency (EACEA P9 Eurydice and Policy Support), at: <http://eacea.ec.europa.eu/education/eurydice>.
- Euridyce. (2005). Citizenship education at school in Europe. Survey. Brussels: European Commissio.
- Farmahini farahani.M. (2010). Citizenship Education. Tehran: Aijj. (in Persian).
- Geboers, E. Geijse, F. Admiraal, W. & Ten Dam, G. (2013). Review of the effects of citizenship education, Educational Research Review, at: <http://dx.doi.org/10.1016/j.edurev.2012.02.00>

- Ghaedi, Y. (2006). Future citizen education. Quarterly Journal of Educational innovations, Vol ۵, No, 17, pp 184-210. (in Persian)
- Ghasempour khoshroudi. E. & Saffar heydari, H. (2016). Study of the status and barriers of attention to the components of Islamic education in the university. Quarterly Journal of Culture at Islamic University, Vol 5, No, 2, pp 273-293. (in Persian).
- Ghorchian, N & Eftekhazadeh, F. (2006). Presentation of a model for professional education in the country's higher education system in the third millennium, Journal of Economics and Management, No, 70, pp 67-80. (in Persian).
- Hahn, C. L. (2015). Teachers perceptions of education for democratic citizenship in schools with transnational youth: A comparative study in the UK and Denmark. Research in Comparative and International Education, No. 10, 95° 119.at: <http://dx.doi.org/10.1177/1745499914567821>.
- Hansen, D. T. (2011). Introduction: rethinking globalization, education, and citizenship. Teachers College Record, Vol 113, No, 6, pp 1135-1153.
- Heydari, M . H., Nosrati hashi, K. & Narimani, M. (2013). Principles of Education Based on the Basis of Value Education of Citizenship from the perspective of Islam. Quarterly Journal of Cultural Engineering, Vol 8, No, 76, pp 24-49. (in Persian).
- Johnson, L. & Morris, P. (2010). Towards a framework for critical citizenship education. The Curriculum Journal, Vol 21, No, 1, pp 77-96.
- Kennedy, K. J. (2012). Global trends in civic and citizenship education: what are the lessons for nation states? Educ. Sci, No 2, pp 121-135.
- Kishani farahani, E. Farmahini farahani, M. & Rahnama, A. (2013). Essential Elements of Islamic-Iranian Citizenship Education, National Journal of Quarterly Journal, Vol 14, No, 4, pp 51-74. (in Persian).
- Lincoln, Y. & Guba, E. (1985). Naturalistic Inquiry, Beverly, Beverly Hills, CA: Sage.
- Malekian, M. (2000 Nounber 22). Religion and Spirituality in the Process of Globalization, Hambastegi, No. 78, p 19. (in Persian).
- Mehr mohammadi, M. (2012). Investigating the Compensation Requirement of Curriculum Competitive Theories for the Education of a Democratic Citizen Based on Shawabi's Narrative, Journal of Research in Curriculum, Vol 9, No, 34, pp 18-31. (in Persian).
- Mehrpour, H. (2007). International human rights system. Tehran: Ettelaat. (in Persian).
- Mizra mohammadi, H. (2006). Comparative Study of Educational Objectives from the Point of Idealism and Pragmatism. Journal of Shahed University, Vol 15, No, 30, pp 45-52. (in Persian)
- Moon, R. J. & Koo, J. W. (2011). Global citizenship and human rights: A longitudinal analysis of social studies and ethics textbooks in the Republic of Korea. Comparative Education Review, Vol 55, No, 4, pp 574° 599.
- Nasr, H. (2008). Traditionalism against fundamentalism. Reflections of Thought

Journal, Vol 8, No, 96, pp 23-31. (in Persian).

- Nasr, H. (2010). Religion and the system of nature, translated by Mohammad Hussein Faghfour, Tehran: Hekmat Publication, Third Edition. (in Persian).
- Pour tahmasebi, S. & Tajoor, A. (2011). The rights and education of citizenship in Nahj al-Balaghah, . Quarterly Journal of Alavi, Vol 2, No, 2, pp 1-23. (in Persian).
- Qoltash, A. (2012). Social and Political Foundations of Education: A Comparative Study of Citizenship Education Approaches and Perspectives, Research Principles of Education, Second Year, Vol, 1. No, 1, pp 64-47. (in Persian).
- Qoltash, A., Yarmohammadian, M. H., Jafari, E. & Foroughi, A. A. (2008). Criticism of Curriculum Elements in Progressive and Conservative Approaches of Citizenship Education, Knowledge and Research in Education, Vol 5, No, 17, pp 27-48. (in Persian).
- Qoltash, A., Yarmohammadian, M.H., Foroughi Ebari; A. A.; & Mirshah Jafari; E. (2009); An Investigation of the Progressive Approach of Citizenship Education in the Elementary Curriculum of Iran, Journal of Educational Sciences, Shahid Chamran University, Ahvaz, Vol 6, No ,2, pp 37-62 . (in Persian).
- Ramirez, F. O. & Meyer, J. W. (2012). Toward post-national societies and global citizenship. Multicultural Education Review, Vol 4, No, 1, pp 1° 28.
- Sharipoor, M. (200۴). The Society of Education, Tehran: Samt. (in Persian).
- Strauss, A & Corbin, J. (2006). Principles of Qualitative Research Method, Translation by Biouk Mohammadi, Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies, First Edition. (in Persian).
- Tabatabaee, M. (1999). Almizan, Translation by Seyed Mohammad Bagher Mousavi Hamedani. Ghom: Islamic Publishing House. (in Persian)
- Tan, C. (2007). Islam and citizenship education in Singapore: Challenges and implications. Implications. Education, Citizenship and Social Justice, Vol 2, No, 1, pp 23-39. DRAFT.
- Torney-purta, J., Lehmann, R. Oswald, H., & Schulz, W. (2003). Citizenship and education in twenty° eight countries: Civic knowledge and engagement at age fourteen, Executive summary, college park, MD: International Education Association, University of Maryland.
- Yavari, Z.; Army, N. & Ahmadi, G, R. (2013). Compilation of Curriculum Objectives in Secondary School with Emphasis on Citizenship Education, Journal of Science and Research, New Approach in Educational Management, Vol 4, No. 1, pp 147-166. (in Persian).
- Yemini, M. (2014). Internationalisation discourse. What remains to be said? Perspectives: Policy and Practice in Higher Education, Vol 18, No, 2, pp 66° 71.